

### متن پرسش

حقیقت انسان از دیدگاه عرفان در اسلام، انسان را چیز جدایی از خدا نمی داند و به میزانی که در طاعت و عبودیت بالا رود می تواند به مقام ربوبیت برسد یعنی کاری را که خداوند می کند انجام دهد. مانند کرامات و معجزاتی که ائمه و پیامبران داشتند (زنده کردن مردگان، شفای بیماران و).... این نوع تلقی از انسان یعنی انسان شناسی عرفانی چه تغییراتی در تعاملات اجتماعی در حوزه رفتارها و حوزه نظام سازی رقم می زند؟ یعنی یکی در بعد خانواده و رفتار با دوستان، محل کار و ... به کجا خواهد رسید؟ و دیگری در نظام سازی چگونه عمل می کند؟ یعنی این نوع نگاه چگونه منجر به تشکیل و ساخت نظامات اداری یک جامعه خواهد شد؟ مثل نظام اقتصادی، آموزشی، علمی، فرهنگی و غیره. به عبارتی دیگر چگونه می تواند مدلهایی برای اداره کشور از بعد محتوا و روش ارائه کند.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: وقتی انسان از طریق عبادات منور به نگاهِ حقّانی شد، می تواند وجهِ حقّانی عالم را از وجهِ باطل آن □ که وهم ایجاد می کند - تشخیص دهد و گرفتار آن نوع زندگی که امروز فرهنگ غربی برای بشر ایجاد کرده، نشود. بلکه عالم را بستر تعالی خود بیابد نه آن که کارش بشود تخریب طبیعت برای جوابگویی به هوس هایش. موفق باشید